



رفتار با کودکان! پرسش و پاسخ با فرزاد ادیبی

با سلام مادر دو فرزند یعنی سطح عمومی و در هستم. پسری هفت ساله باره همه کودکان و هم در دارم که به شدت از دکتر، سطح ویژه تری که بیمارستان و هرگونه کودکانی معینی را شامل درمانگاه وحشت دارد. می شود که امکان دارد آخرین بار چند هفته پیش کودک شما هم از این بود که در بازی فوتبال در دسته باشد، توضیح دهم. کوچه امان، دستش شکست اگر در رفتار کودکان و مجبور شدیم او را به خود کمی دقت کنید، بیمارستان ببریم. از زمانی خواهید دید که وقتی که به بیمارستان رسیدم او کودک مشغول بازی جیغ زد، فریاد کشید تا است و شما بی خیر وی زمانی که از بیمارستان را برای شام خوردن فرا بیرون آمدم. من نمی دانم می خوانید، کودک در که چگونه باید با وی وحله اول گنج می شود، برخورد کنم. به نظر شما از یکطرف میل ادامه بازی را دارد و از طرف دیگر، گرسنه است و یا

فرزاد ادیبی: ضمن تشکر میل دارد که حداقل از تماس شما با نشریه باید ناخنکی به شام بزنند. بگویم که این موضوع را کودک در این حالت نمی من می توانم در دو سطح، تواند ادامه در صفحه 4

کسی هست او را نجات دهد؟
سیاوش شهابی- سنج

صفحه 2

قصه اول

صفحه 3

میترا رها

کنفرانس سالانه کودکان مقدمند

صفحه 4

جشن با شکوه آدم برفیها در اشنویه

مراسم ها، فضای شاد و توام با احترام و علاقه به کودکان، سرگرمی هائی که برای کودکان در این مراسم ها تدارک دیده میشود و سخنانی ها و قطعنامه های این جشن ها، بیانگر حضور جنبش پیشتازی است که فقر نمیخواهد، نابرابری نمیخواهد، بیحقوقی نمیخواهد و این دنیای موجود را بویژه شایسته کودکان نمیداند.

نهاد کودکان مقدمند به همه شما که دست اندرکاران این حرکت بزرگ بوده اید و کسانی که با علاقه و به امید زندگی شاد برای کودکان در این جشن شرکت کرده اند خسته نباشید میگوید.

نهاد کودکان مقدمند

۲۰ بهمن ۱۳۸۵-
۹ فوریه ۲۰۰۷

"آپرتاید جنسی موقوف" "آزادی زن آزادی همگان است" و..

جشنها و مراسمهای دفاع از حقوق کودکان در ایران بخصوص در شهرهای کردستان و نه فقط در یک روزهای و فصلهای مشخص بلکه در هر روزی که برای فعالین دفاع از حقوق کودکان ایجاد کند اعتراض خود را به جامعه موجود اعلام می کنند جشنها و مراسمها در دفاع از حقوق کودک با شعارهای رادیکال اکنون به یک سنت توده ای و جا افتاده تبدیل شده است.

برگزاری هرساله این جشن ها در روزها و فصلهای مختلف و در شهرهای مختلف جلوه ای از جنبش انساندوستانه و آزادیخواهانه مردم است که هرروز قدرتمندتر میشود. حضور توده ای و پرشور مردم در این

روز جمعه ساعت 2 بعد از ظهر بهمن 1385 در شهرستان اشنویه جشن با شکوه آدم برفیها با شعارها و پلاکارهای رادیکال فضای شهر را تحت تاثیر قرار داده بود در این جشن بیش از سه هزار نفر از مردم آزادیخواه و مدافع حقوق کودک حضور داشتند. پلاکاردهای متعدد و شعارهای رادیکال این مراسم مردم حاضر را متوجه خود کرده و به دست اندرکاران این مراسم تبریک میگفتند. شعارها و پلاکاردها به قرار زیر بودند: "کودکان مقدمند" "حقوق کودکان جهانشمول است" کار حرفه ای کودکان ممنوع" "تحصیل رایگان برای همه کودکان" "بهداشت رایگان برای کودکان" "سواستفاده جنسی از کودکان ممنوع"

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

کسی هست او را نجات دهد؟ سیاوش شهابی- سندانج

خواهد با دوستانش بازی کند و شاد باشد. او می خواهد زندگی آرام و شادی را در کنار خانواده اش داشته باشد، اما اسلام و مرتجعین اسلامی، او و دوستانش را چنان زندانیان در بند، در یک محیط به شدت خفقان زده و در فضای رعب و وحشت برای یادگیری آموزشهای مذهبی به غل و زنجیر کشیده اند! او مجرم است چون بارها از این مدرسه مذهبی فرار کرده و نزد پدر و مادرش بازگشته! پس باید به غل و زنجیر کشیده شود. نخواستنی در کار نیست! او محکوم به گذراندن تعلیمات مذهبی و شستشوی مغزی است!

عکاسی که این تصویر را از یک مدرسه مذهبی در بنگلادش گرفته است، هم اکنون از طرف اسلامیهستها تهدید به مرگ شده! او در هنگام گرفتن این عکس، که اتفاقا برنده مسابقه جهانی ورلد پرس آورد هم شده، به این فکر می کرد که وضعیت این کودکان بهتر خواهد شد و وضعیتی که بر این مدارس حاکم است تغییر خواهد کرد، اما بر خلاف تصورش با تهدید اسلامیهستها مواجه شد! این اولین باری نیست که شاهد چنین اقداماتی از

امید به دوربین نگاه می کند! گویی کسی آن سوی دوربین هست و قرار است نجاتش دهد! امید او به فردا است، آیا کسی هست او را نجات دهد؟ او هفت سال دارد و همانند دیگر هم سن و سالانش، به خاطر سلطه شوم اسلام، بجای بازی و شادی در یک فضای امن و راحت، در مکانی آکنده از خشم و نفرت و به دور از عواطف انسانی و محیطی آزاد و کودکانه، و به دور از محیط گرم خانواده، باید قرآن بخواند! باید آموزشهای دینی ببیند! او از این فضا راضی نیست. او نمی خواهد قرآن بخواند. او می



با آموزشهای اصولی پیدا و رشد دهند، باید به زور در کلاسهای مذهبی نشسته و شستشوی مغزی شوند و از شان مرتجعانی دیگر درست کنند! بخاطر سلطه ارتجاعی حکومت اسلامی، ساهاست چنین وضعیتی در ایران هم وجود دارد! ما را نه با غل و زنجیر بر دست و پا، که با غل و زنجیر بر فکر و روانمان در کلاسهای مذهبی نگه می داشتند، داستان پیامبران، داستان قیامت، وصف حال جهنمیان و بهشتیان و ترس و وحشتی که بعد از

طرف اسلامیهستها هستیم. شاید اولین باری باشد که با چنین تصویری روبرو می شویم ولی، ساهای زیادی است که کودکان، چه در کشورهای اسلام زده و چه در کشورهای که جریانات اسلامی فرصت راه انداختن مدارس مذهبی را داشته اند، با چنین مواردی روبرو می شویم. این تنها یک نمونه کوچک از آنچه که بر سر کودکان در کشورهای اسلام زده می گذرد، است. کودکانی که باید در یک فضای آزاد و امن و شاد، شخصیت یگانه خود را،

آن دچارش می شدیم! همیشه کلاسهای دینی اینگونه بود و هست! ترس و وحشت یک پای ثابت تعلیمات دینی بود. ترس از مرگ، ترس از روز قیامت و خدا! خدا غل و زنجیری بر فکر و روان ما بود!

اگر از کلاس درس فرار می کردیم، کلاس را به تمسخر می گرفتیم و... با کتک (ما پسران اغلب با لگد و سیلی های آبدار تنبیه می شدیم، خودم یکبار خودکار لای انگشتانم هم گذاشتند!) و احضار پدر و مادر به مدرسه روبرو می شدیم! محکوم می شدیم که بچه مسلمانیم و باید تعالیم دینی ببینیم! باید قرآن بخوانیم!...

در پیمان نامه حقوق کودک که اتفاقا کشورهای با حکومت اسلامی نظیر ایران، آن را امضا کرده اند، آمده که "دولتها باید حق ذاتی تمام کودکان برای زندگی را به رسمیت بشناسند! باید تضمین کنند که کودکی که قادر به شکل دادن به عقاید خود است حق ابراز آزادانه ی این عقاید را در کلیه ی اموری که به وی مربوط می شود داشته باشد و متناسب با سن و میزان رشد فکری کودک به نظرات وی اهمیت لازم داده شود" این برسمیت شناسی حقوق کودک ادامه در صفحه 3

**دبیر
کودکان مقدمند
کریم شاه محمدی**

barnenforst@hotmail.com

**سردبیر
هفته نامه
کودکان مقدمند
فرزاد ادیبی**

00460704917494
toles@hotmail.com

**مسئولین مرکز
پخش:
شهلا خباززاده
سروش ابراهیمی**

kudakanmoqadam@aol.com
shahlaxabazzade@aol.com
soroshebi@yahoo.com

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

قصه اول

میترا رها



دوران زندگی انسانها از زمان تولد تا زمان مرگ پر از خاطرات تلخ و شیرین میباشد خاطراتی که با برگشتن به آنها گاهی اوقات باعث شادی و لیخند و گاهی باعث غم، و گریان شدن چشمها میشود. من هم به نوبه خودم در دوران 38 سال از زندگی خاطرات تلخ و شیرین زیادی داشتم، خاطراتی که گاهی من را به عمق غم و گاهی به شادی بی وصف میبرد. به خاطر جنسیت من به مراتب خاطراتی که باعث غم و اندوه من می شود شاید بیشتر بوده و هست من از اینکه یک زن بدنیا آمدم بسیار خوشحال هستم و احساس خوبی دارم. این احساس را از زمان کودکی به همراه داشتم ولی در کنار آن کسانی بودند که همانند من احساس خوبی نداشتند چرا که من در سرزمینی به دنیا آمدم که زن بودن یا بهتر بگویم که فرزند دختر چندان خوشایند نیست. این مقدمه ایست تا داستان زندگی خودم را برای شما بنویسم من فرزند سومم، که در خانواده ای سنتی بدنیا آمدم. داستان بدنیا آمدنم را به مراتب از زبان مادرم و دیگر اقوام شنیدم و همیشه برایم تازه گی داشت و من را به عمق غم و اندیشه می برد زمانی که درد زایمان تمام وجود مادرم را فرا گرفته بود و از درد به خودش میچسبید و با نگرانی به انتظار بدنیا آمدن فرزندش بود. نگران از این که اگر فرزند سوم من دختر باشد، چه اتفاقاتی در انتظارش خواهد بود، راهی بیمارستان می شد فرزند سوم متولد میشود یک دختر. اشک از چشمان زیبای مادرم جاری ست. اشک شادی و غم. شاد از اینکه صاحب فرزندی سالم و زیبا شده و غمگین از اینکه جواب شوهر و خانواده شوهرش را چه بدهد... قبل از پدرم عمه من بدنیا آمدم را با خبر میشود و گریان خبر بدنیا آمدنم را به پدرم میدهد و بجای تبریک به پدرم تسلیت میدهد. انسانی متولد شده با یک دنیا امید و آرزو، جرمش دختر بودن است. به پدرم میگویند که زنه تو دختر زاست، کی نام خانوادگی ما را حفظ میکند و..... که حتما در موردش در آخر صحبت میکنم پدرم تحت تاثیر

روز زندگی است، که یادآوری آن چشمانم را پر از اشک شادی و غم میکند، احساسم در هر یادآوری متفاوت و متغیر است. خوشحال از اینکه در خانواده ای بدنیا آمدم که هر چند سنتی بودند ولی در عوض پر بود از مهر و محبت. البته اگر دیگران اجازه میدادند، دیگران یعنی: سنت، مذهب، خرافات، فرهنگ عقب مانده، دولت، جامعه و خیلی از مسائل دیگر که همیشه مانند یک زنجیر به پاهای یکایک ما از بدو تولد بسته شده. خوشحال هستم پدرم خیلی سریع متوجه شد. اما غمگین از اینکه میلیونها مانند من در این سرزمین و دیگر سرزمینهای اسلامی متولد شده و میشوند و والدین آنها هیچ گاه متوجه نمی شوند. و چه سرنوشتی منتظر آنها بوده و هست. تا زمانی که سایه شوم آپارتاید جنسی و مذهب بالای سر این کشورها باشد، این داستانها هم ادامه دارد، داستانهای تلخ و غم انگیز. داستان من هم هنوز تمام نشده تا همین امروز هم گریبان گیرم هست ولی من این را یاد گرفتم که باید بر علیه یکایک آنها مبارزه کرد علیه آپارتاید جنسی، علیه مذهب و فرهنگ سنتی وووووووو

ادامه دارد

ادامه مطلب ”کسی هست او را نجات دهد؟“

برای زندگی، ظاهرا نباید خارج از محدوده خواست دولتها باشد! هیچ کودکی حق ندارد تعلیمات مذهبی نداشته باشد! کودک باید زیر حجاب اختناق مذهب باشد! حق زندگی تنها در اینصورت برای او برسمیت شناخته می شود! نباید شرایطی برای ابراز آزادانه عقاید برای او ایجاد شود! نباید کاری کنند عقیده غیر از آنچه که دولتهای عقب افتاده می خواهند برای کودک فراهم شود! تنها چیزی که اهمیت ندارد حقوق کودک و نظرات و خواست او است!...

کودکان از نظر فکری و جسه شاید انسانهای کوچکی باشند اما مشکلاتشان بسیار بزرگ است و یکی از این مشکلات بزرگ هم، مافیای مذهب است که هم اکنون زندگی میلیونها کودک را در سراسر جهان با مشکلات جدی روبرو کرده است. ما در دنیایی زندگی می کنیم که مجامع بین المللی آن دم از احقاق حقوق کودک می زنند، دولتها پیمان نامه های مختلفی در احقاق حقوق کودکان امضا می کنند و آن را به رخ هم می کشند و ادعا دارند که شرایط مناسب رفاهی را برای کودکان تامین می کنند درحالی که هر روز فریاد دادخواهی صدها هزار کودک، علیه بی حقوقی و استثمار و علیه جنگ به گوش می رسد...

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان

ادامه رفتار با کودکان:

تصمیم بگیرد و معمولاً، مکث می کند. بخشی از این کودکان، ناراحت می شوند، عصبی می شوند و حاضر نیستند که بازی را قطع کنند و به سر میز شام بروند. فکر نمی کنم هیچ کودکی از قطع بازی خوشحال شود و به هوا بپرد و بگوید: آخ جان از شر بازی کردن خلاص شدم. برعکس کودک حاضر است از هرچی بزند ولی بازی را قطع نکند. بهترین حالت برای کودکان این است که از قبل به آنها اخطار داده شود که تا نیمساعت دیگر غذا حاضر می شود و یا ما پارک را ترک می کنیم، بهتر است بازی را تمام کنی. به اینگونه وقت کافی در اختیار وی بگذاریم که بتواند، بازی را تمام کند و در طول این نیم ساعت به این فکر که قرار است بازی را قطع شود، خوب بگیرد. معمولاً کودک مفهوم نیم ساعت را متوجه نخواهد شد که دقیقاً چقدر زمان است ولی کاملاً می فهمد که یک مدت زمان معین در اختیار دارد که می تواند بازی را انجام دهد و سپس با خیال راحت و بدون نگرانی از اینکه بازی نیمه تمام مانده است، پارک را ترک کند و یا برای شام خوردن برود. یکی دیگر از روشهای که می تواند به کودک کمک کند که فشار قطع بازی را برای خودش جا بیندازد و حل کند این است که اگر امکان دارد که کودک بازی را بعد از شام و یا روز بعد ادامه دهد، به او خبر دهیم که وی این شانس را دارد که بازی را در زمانی دیگر ادامه دهد. البته بشرطی که به قولمان وفا کنیم و کودک ما را به عنوان، بدقول و یا دروغگو شناسایی نکند.

این بحث را متأسفانه نمی توانم به خاطر کمبود جا در این شماره تمام کنم، ادامه بحث را به شماره آینده موکول خواهیم کرد. ما منتظر پرسشهای بیشتری از سوی شما هستیم.

کنفرانس سالانه کودکان مقدمند (ماه مه ۲۰۰۷)

حقوق جهانشمول کودک، چرا و چگونه؟

دو روز سخنرانی، میز گرد، نمایش فیلم، تئاتر، موزیک، میزکتاب و کارگاههای مختلف.

رفتار هر جامعه با کودکان محک ارزیابی درجه انسانی بودن و آزاد بودن آن جامعه است

فقر و فلاکت، فحشاء، اعتیاد، ایدز، جنگ و مرگ و میر، کمبود مواد غذایی، نبود آب آشامیدنی، مسکن و عدم دسترسی به امکانات اولیه بهداشتی و ابتلا به بیماریهای مهلک مشخصه وضعیت کودکان در جهان ما است. کار کودکان، کودکان خیابانی، میلیونها کودکی که حتی امکان رفتن به مدرسه و بازی با دیگر کودکان را پیدا نمیکنند، میلیونها دختر خردسال به دلیل تولدشان در محیطهای مذهب زده، کودکی شان با سنن و فرهنگ ارتجاعی عجین گردیده است و به انسانی درجه دوم و فرو دست در جامعه بدل گشته اند، گوشه ای دیگر از چهره کریه وضعیت نابسامانی است که کودکان ما با مصائب بیشمارش دست درگیر میکنند. کودکان قربانی مصلحتهای ملی، مذهبی، نژادی، اقتصادی و سیاسی در این جهان می شوند.

کودکان در جوامع غربی به یمن مبارزات انسانیهای آزادیخواه و مدافع حقوق کودک، توانسته اند از حقوقی نسبی برخوردار شوند. همین دستاوردها نیز روز به روز به بهانه های گوناگون باز پس گرفته می شود. به ویژه با تز نسبیت فرهنگی، جامعه را به اقلیتهای فرهنگی، دینی، ملی و نژادی تقسیم نموده اند و کودکان را از همین حداقلهای موجود در جوامع غربی نیز محروم کرده اند.

ما در این کنفرانس با افشای مبانی بی حقوقی کودکان، برای تغییرات بنیادی و دگرگونی شرایط غیر انسانی و نامناسب برای کودکان، این وضعیت را در عمیق ترین سطح بررسی و نقد خواهیم کرد و با ارائه آلترناتیوهای اساسی، راه چاره بهبود زندگی کودکان را نشان خواهیم داد. ما در مقابل اقلیت تراشیهای ملی، مذهبی و نژادی پرچم انسانیت و حقوق جهان شمول کودکان را بر می افرازیم!

شرکت در این کنفرانس، تلاش برای احقاق حقوق کودکان است. شما را به کنفرانس کودکان مقدمند دعوت میکنیم!

تم کنفرانس:

- سخنرانیها؛ تصویری از ابعاد بی حقوقی کودکان در جهان امروز، و آلترناتیو ما؟
میز گرد بحث و بررسی در مورد ممنوعیت مدارس مذهبی، حجاب کودکان و سمبل های مذهبی

کنفرانس به زبانهای انگلیسی، سوئدی و فارسی برگزار میشود. اگر برای شرکت در کنفرانس به زبانی غیر از زبانهای اعلام شده صحبت میکنید، با ما تماس بگیرید تا امکان آن را بررسی کنیم.

در اطلاعیه های بعدی نکات بیشتری در مورد کنفرانس را به آگاهی شما خواهیم رساند.

برای شرکت در کنفرانس و یا سخنرانی و یا داشتن کارگاه، با آدرس های زیر تماس بگیرید:

افسانه وحدت سردبیر نشریه کودکان مقدمند به زبان سوئدی afsanehvahdat@yahoo.se 0702468454

کریم شاه محمدی مسئول نهاد کودکان مقدمند karimshamohammadi@yahoo.se 0708526746

فریده آرمان مسئول نهاد کودکان مقدمند در مالو farideh_arman@yahoo.com 0703638088

کریم نوری مسئول کودکان مقدمند در یوتبری karim.savalan@broadband.net 0704441555

کودکان مقدمند

فوریه ۲۰۰۷

ممنوعیت هر نوع آزار روانی، فشار و ارباب به کودکان